برشی از کتاب خاطرات یعقوب نیمرودی، اولین افسر اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در تهران —۱۱

چوب حراج به خاک کشور وقتی شاه دستور فروش جزیره کیش را داد

یک روز دوستم، فریدون جم با من تماس گرفت و گفت: «شاه فهمیده که اشتباهاتی انجام داده است. جزیره کیش آسیب بزرگی به او زد.» جم نقل کرد که شاه درباره این موضوع با او و ارتشبد طوفانیان صحبت کرده و به آنها دستور داده تا برای جزیره مشتری یا شریکی پیدا کنند. برای من مسلم است تنها کسی که ممکن بود علاقه‌مند باشد میلیاردر سعودی، عدنان خاشقچی است که او را «عقاب» می‌نامند.

پروژه «صور» رو به اتمام بود که رژیم [امام] خمینی بسیاری از اسنادی که از سفارت آمریکا در تهران به دست آمده بودند را منتشر کرد و این پروژه بلند پروازانه به طور عمومی فاش شد.[1] آمریکایی‌ها شریک پروژه «صور» نبودند و اسرائیل آنها را از تصمیمش برای توسعه جنگ افزارهای جدید با ایران مطلع نکرده بود. کسی که به CIA کمک کرد تا از این ارتباطات مخفی که میان اسرائیل و ایران صورت می‌گرفت مطلع باشد، تا آنجا که به نظر می‌رسد شخص ارتشبد طوفانیان بود که پس از کودتا [انقلاب اسلامی] پناهنده سیاسی در ایالت متحده شد و در پایتخت آمریکا، واشنگتن زندگی کرد.

وقتی که کودتا [انقلاب] در تهران گسترش یافت، کارکنان سفارت آمریکا و نمایندگان CIA به سرعت هزاران سند را خرد و نابود کردند. وقتی که حامیان [امام] خمینی بر ساختمان سفارت کنترل پیدا کردند آنها در محل پاکت‌های له شده و داخل آنها اسناد خرد شده‌ای به صورت رشته رشته شده پیدا کردند، یعنی نوارهای کاغذی باریک که خردکن بیرون می‌دهد. افراد اطلاعاتی ایرانی ابتکار عمل نشان دادند. آنها هزار بافنده فرش استخدام کردند و زنان با پاکت‌ها نشستند[2] و طی اقدام زمان‌بری که ماه‌ها طول کشید نوارهای «ماکارونی[شکل]» را از نو به هم وصل کردند و صدها اسناد طبقه‌بندی شده نمایندگان CIA را در تهران به حالت اول برگرداندند که شامل اسناد مورد بحث در برنامه «صور» می‌شد. اسناد در کتابی گردآوری شدند که یک کپی از آن به لندن رسید. یک کپی از آن را به آمان-سازمان ضد جاسوسی ارتش اسرائیل- و کپی دیگری را به گزارشگر روزنامه‌هاآرتص، یوسی ملمان فرستادم.

اواسط ژانویه ۱۹۷۸ در روزنامه اطلاعات مقاله‌ای منتشر شد که حمله تندی علیه مؤسسات مذهبی کرد و در پی افزایش تنش‌های داخلی در ایران و شهرهای مختلف، برخوردها میان نیروهای امنیتی و دشمنان رژیم گسترش یافت. خشم توده‌های مردم، از جمله درباره کلوب‌های تفریحی در تهران، پدیدار شد و یکی از روحانیون حامی [امام] خمینی در آن وقت گفت: «همه ما موافقیم که جزیره کیش حماقت شخصی شاه است. مسئولان برای توسعه این مکان میلیون‌ها از خزانه کشور ربودند و این جزیره نشان دهنده اشتباه و سوءاستفاده رژیم بود. به علاوه، این جزیره حاکی از فساد شاه بود.»

در آن زمان شاه فهمید که جزیره عیش او به اسباب زحمت بدل شده و عناصر مخالف از این مکان استفاده می‌کنند تا رژیم او را به زمین بزنند و مردم را علیه او تحریک کنند. به همین خاطر مصمم شد تا از این مانع رهایی یابد.

یک روز دوستم، فریدون جم[3] با من تماس گرفت و گفت: « شاه فهمیده که اشتباهاتی انجام داده است. جزیره کیش آسیب بزرگی به او زد. او آنجا بهشتی ساخته، صدها میلیون دلار سرمایه‌گذاری کرده و حالا مایل است از آن خلاص شود.» جم نقل کرد که شاه درباره این موضوع با او و ارتشبد طوفانیان صحبت کرده و به آنها دستور داده تا برای جزیره مشتری یا شریکی پیدا کنند. برای من مسلم است تنها کسی که ممکن بود علاقه‌مند باشد میلیاردر سعودی، عدنان خاشقچی است که او را «عقاب» می‌نامند. قبل از اینکه موفق به ایجاد ارتباط با خاشقچی شوم او با من تماس گرفت و گفت که فرماندار جزیره، مهندس محمود منصف قبلاً با وی درباره این موضوع صحبت کرده و او ملاقاتی با شاه در جزیره کیش ابتدای ماه آوریل تعیین کرده است. به خاشقچی گفتم که من به موقع آنجا خواهم بود.

حمله خرابکاران تروریستی[مبارزان فلسطینی] به جاده ساحلی، کنار ماگن مایکل، در ۱۱ مارس ۱۹۷۸ و «عملیات لیطانی» که در پی آن رخ داد، پیچیدگی‌های بیشتری را در گفتوگوهای صلح در خاورمیانه ایجاد کرد. سفیر اسرائیل در ایران، اوری لوبرانی برای رایزنی به اسرائیل آمد و حتی از جنوب لبنان بازدید کرد. با بازگشتش به تهران لوبرانی به رئیس‌دفتر دربار، امیرعباس هویدا مراجعه کرد و خواست تا فوراً با شاه ملاقات کند. هویدا ملاقات را برای ۵ آوریل ۱۹۷۸[۱۶ فروردین ۱۳۵۷] تعیین کرد. چون که شاه و همسرش تعطیلات کوتاهی را در جزیره کیش می‌گذراندند، لوبرانی با هواپیمای ویژه به کیش رفت. کنار باند فرماندار جزیره، منصف منتظر «سفیر مرواریدها» بود(این اسم رمزی بود که در تهران به سفیر اسرائیل داده شده بود). کاخ سلطنتی در انتهای جنوب شرقی جزیره قرار داشت و در طول کل جاده از فرودگاه تا مقصد، سربازان مسلح ایستاده بودند و بیسیم در دستان‌شان بود. تا آنجا که به قصر نزدیک شدند اقدامات امنیتی شدت گرفت. سه کشتی جنگی در منطقه گشت‌زنی می‌کردند و یات(قایق تفریحی) سلطنتی هم آنجا لنگرانداخته بود. ورودی کاخ چند افسر امنیتی ایرانی کنار سربازان گارد شاهنشاهی ایستاده بودند.

گفت‌وگو میان لوبرانی و شاه پیرامون وضعیت در جنوب لبنان پس از عملیات لیطانی و مذاکره صلح میان اسرائیل و مصر بود. شاه بر مواجهه رئیس‌جمهور سادات با صلح و عدم وجود دلیل برای سوءظن از سوی اسرائیل به ابتکار عمل او تاکید کرد. در پایان گفتوگو با شاه، لوبرانی از کاخ خارج شد. من همراه با دوستم، آل شوییمر و پزشک خصوصی خاشقچی، پروفسور موشه مانی به جزیره رسیدیم و برای ملاقات با شاه که برای ساعات اولیه صبح روز بعد در نظر گرفته شده بود، منتظر ماندیم. عدنان خاشقچی هم با هواپیمای شخصی‌اش آمد. همان شب فرماندار منصف ما را به کازینو دعوت کرد و آنجا ساعات طولانی را در کنار شاه، مقامات ارشد نیروهای امنیتی ایرانی و میهمانان عالی مقام از کشورهای خلیج‌فارس به بازی‌های قمار پرداختیم. در زندگی‌ام از کازینوهای بسیاری دیدن کردم اما قمارخانه‌ای مثل جزیره کیش هرگز ندیدم. شکوه خیره‌کننده و وفور بی‌پایانی داشت. دو بار در هفته هواپیمای ویژه‌ای مملو از هر چیز خوبی از آشپزخانه رستوران معروف «ماکسیم» در پاریس به جزیره می‌آمد. این کلوب به سبک داستان هزار و یک شب ساخته و طراحی شده بود و برای هر کسی که از آن بازدید می‌کرد تجربه فراموش نشدنی را فراهم می‌کرد.

کمی بعد، در سالن هتل با سفیر لوبرانی ملاقات کردم و به او پیشنهاد دادم تا همراه با من از تاسیسات آب شیرین‌کن پیشرفته‌ای که در جزیره احداث کردیم دیدن کند. بعدها لوبرانی درباره این بازدید سخن گفت و آنچه را که چشمانش دیدند این‌طور توصیف کرد: «این تاسیسات قلبم را سرشار از غرور کرد. آن می‌توانست حدود ده هزار متر مکعب آب را در روز شیرین کند. اطراف تاسیسات چمن‌زارهای بسیار جذابی به طور باورنکردنی وجود داشتند و اتاق کنترل به هر مرکز کامپیوتری شباهت داشت. اریه بن ریمون، مهندس اسرائیلی حدود چهل ساله با اصلیت مراکشی مسئولیت منطقه را به عهده داشت که در زندگی محلی ریشه کرده بود. او به خوبی سبک زندگی در کیش را می‌شناخت و به گونه‌ای رفتار می‌کرد گویی آنجا دارایی شخصی اوست. مخصوصاً از میزان حجم اطلاعاتی که داشت تحت تأثیر قرار گرفتم، نه تنها درباره خود جزیره بلکه درباره تمام منطقه خلیج‌فارس. نمی‌توانستم آشکارا حیرتم را از این کار ابراز نکنم که شهرت اینچنین خوبی برای اسرائیل به ارمغان آورده بود. نیمرودی خودش سرشار از خوشحالی بود، مشتاقانه گرداگرد ساختمان گشت و این رویداد را در مجموعه تصاویر جاودانه کرد.»

وقتی که لوبرانی به تهران بازگشت و از مشاهداتش در جزیره کیش و دیدار با شاه برای دوستش تعریف کرد، سفیر ما دریافت که خودداری از اسراف تا چه‌اندازه در میان مردم ایران رایج است و تا چه حد [سبک زندگی] شاه و خانواده‌اش از جامعه جدا و منفک بود. جزیره «رسوایی ملی» نامیده شد. ایرانی‌های بسیاری وقتی که بحث جزیره کیش می‌شد ساکت می‌شدند اما در محافل روشنفکران، شاه را مورد انتقاد شدید قرار می‌دادند که در چشم آنها به عنوان یک فرد فاسد به نظر می‌رسید.

تقریباً یک ساعت قبل از ملاقات من و خاشقچی با شاه، فرماندار منصف به ما اطلاع داد که شورش‌ها در شهر تبریز گسترش پیدا کرده و شاه به سرعت به مکانی پرواز می‌کند تا از نزدیک در جریان قرار بگیرد و بر [عملیات] سرکوب شورش مسلط شود.[4] این آخرین فرصت من و خاشقچی بود تا شاه را ملاقات کنیم. از این پس وضعیت به سرعت رو به افول می‌رفت. خوشبختانه ما از حضور تجاری در جزیره استفاده و بهره‌وری کردیم. تا آنجا که من می‌دانم، در حال حاضر جزیره مرکز مذهب تشیع است.

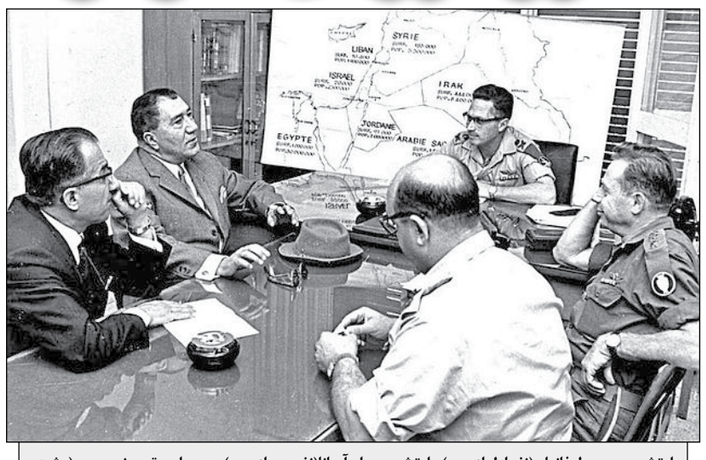

ارتشبد حسن طوفانیان(نفر اول از چپ) و ارتشبد بهرام آریانا(نفر دوم از چپ) به همراه یعقوب نیمرودی(پشت به تصویر) و سایر مقامات ارتش رژیم صهیونیستی در ستاد کل ارتش اسرائیل طی سفر به اراضی اشغالی در سال ۱۹۷۵. محور گفت‌وگوها در آن مقطع پروژه محرمانه نظامی «صور» میان ایران و رژیم صهیونیستی بود. پروژه‌ای که با پیروزی انقلاب اسلامی و تسخیر سفارت آمریکا برای اولین بار فاش شد.

سفیر ما دریافت که خودداری از اسراف تا چه‌اندازه در میان مردم ایران رایج است و تا چه حد [سبک زندگی] شاه و خانواده‌اش از جامعه جدا و منفک بود. جزیره کیش «رسوایی ملی» نامیده شد. در محافل روشنفکران، شاه را مورد انتقاد شدید قرار می‌دادند که در چشم آنها به عنوان یک فرد فاسد به نظر می‌رسید.

پایان آوریل ۱۹۷۸ به اسرائیل برگشتم. در همان روزها اسحاق ناوون در جریان کمپین انتخاباتی برای تصدی ریاست جمهوری بود. البته که می‌خواستم او را در محل اقامت رئیس‌جمهور ببینم و حاضر بودم هر کاری انجام دهم تا او انتخاب شود.

در آشفتگی حوادث وقتی که می‌خواست از رسانه‌هایی که او را احاطه کرده بودند و فشارهایی که بسیاری از نمایندگان کنست بر وی اعمال می‌کردند پنهان شود، در منزل من در ساویون پناه گرفت.

ناوون از منزل من با رهبر حزب لیبرال، دکتر الیملخ ریمالت تماس گرفت که بعدها نامش توسط فعالان اصلی در حزبش به عنوان کاندیدای احتمالی دیگر مطرح شد، سومین رقیب برای ناوون و کاندیدای مورد نظر نخست‌وزیری مناخیم بگین، پروفسور اسحاق شاوا بود.

پس از اینکه محاسبه آرای مورد انتظار در کنست انجام شد، ناوون به این نتیجه رسید که شانس او برای انتخاب در مقابل پروفسور شاوا بسیار ضعیف است و به همین خاطر تلفنی با دکتر ریمالت صحبت کرد و از او پرسید آیا او موافق است آنطور که اسحاق عرصه را تغییر می‌دهد رقابت کند. پاسخ ریمالت مثبت بود و پس از مدت کوتاهی ناوون از منزل من به استودیو شبکه اول در تلویزیون رفت و کناره‌گیری‌اش از رقابت ریاست جمهوری و حمایتش از دکتر ریمالت را به طور رسمی اعلام کرد.

اتفاقاً چند روز پیش از آن به همین خاطر وزیر ساخت و ساز و مسکن، گیدئون پات، از حزب لیبرال به خانه من آمد و از من خواست تا ناوون را متقاعد کنم که از نامزدی‌اش کناره‌گیری کند، با این استدلال که شانسی در مقابل کاندیداتوری مسلم دکتر ریمالت ندارد.

ریمالت حقیقتاً نامزدی خود را اعلام کرد و این امر باعث خشم بسیار در جنبش آزادی شد. شکاف در جناح گاهال-توده آزادی بخش لیبرال- ایجاد شد. جنبش آزادی از پروفسور شاوا و لیبرال‌ها از رهبرشان دکتر ریمالت حمایت می‌کردند. حزب ملی مذهبی به طور قاطع با ریمالت مخالفت کرد زیرا دوست نداشت کسی رئیس‌جمهور باشد که آموزش ربانی‌های محافظه‌کار را گذرانده است.

هر دو آنها در نهایت امر ناوون را بر ریمالت ترجیح دادند و این امر مسیر را برای بازگشت او به کاندیداتوری هموار کرد. پروفسور شاوا متقاعد شد تا از نامزدی کناره‌گیری کند و دکتر ریمالت هم وقتی که خبر رسید ناوون دوباره به عرصه بازگشته است، کناره‌گیری کرد.

سرانجام ناوون تنها داوطلب باقی ماند و موفق به کسب آرا شد که در جلسه عمومی کنست ۲۹ ماه مه ۱۹۷۸ با حمایت بی‌سابقه فراگیر ۸۶ عضو کنست صورت گرفت. کسی مخالفت نکرد و تنها ۲۳ برگه خالی[رأی ممتنع] و ۱۱ عضو کنست بودند که در رأی گیری غایب بودند.

در روز انتخاب اسحاق ناوون برای تصدی ریاست جمهوری اسرائیل، شادی بی‌پایانی داشتم.

حامیان [امام] خمینی بر ساختمان سفارت [آمریکا] کنترل پیدا کردند. آنها نوارهای «ماکارونی[شکل]» را از نو به هم وصل کردند و صدها اسناد طبقه‌بندی شده نمایندگان CIA را در تهران به حالت اول برگرداندند که شامل اسناد مورد بحث در برنامه «صور» می‌شد. اسناد در کتابی گردآوری شدند که یک کپی از آن به لندن رسید. یک کپی از آن را به آمان-سازمان ضد جاسوسی ارتش اسرائیل- و کپی دیگری را به گزارشگر روزنامه‌هاآرتص، یوسی ملمان فرستادم.

پانوشت‌ها:

۱. م: در اسناد لانه جاسوسی متن کامل مذاکرات حسن طوفانیان و عزر وایزمن(وزیر جنگ اسرائیل) در تل‌آویو با حضور اوری لوبرانی(سفیر اسرائیل در تهران) و آبراهام بن یوسف مورخ ۱۸ جولای ۱۹۷۷(۲۷ تیر ۱۳۵۶) آمده است.(اسناد لانه جاسوسی آمریکا. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، بهار ۱۳۸۶. ج۲. ص۵۷۵) در این سند وایزمن از شش سند همکاری میان اسرائیل و رژیم پهلوی نام می‌برد و ضمن ارائه توضیحاتی درباره موشک‌ها و هواپیماهای اسرائیلی، طوفانیان را ترغیب به خرید این تسلیحات و همکاری در ساخت آن می‌کند. این سند می‌تواند یکی از اسناد مورد ادعای یعقوب نیمرودی باشد. بعدها منابع دیگری نیز درباره قرارداد محرمانه تسلیحاتی رژیم صهیونیستی با رژیم پهلوی نوشتند. برای مثال بنجامین بیت‌هلحمی(استاد دانشگاه حیفا) سال ۱۹۸۸ از قرارداد مورد اشاره یعقوب نیمرودی خبر داد: یکی از پروژه‌های مشترک ایران و اسرائیل، توسعه موشک‌های دوربرد با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای بود. این موشک‌ها از تولیدات خود اسرائیل بود و تحقیقات مربوط به آن از دهه ۱۹۵۰ آغاز شده بود. در بهار ۱۹۷۷ شیمون پرز، وزیر دفاع اسرائیل، در تهران موافقتنامه محرمانه‌ای برای تولید یک موشک پیشرفته، امضا کرد. ایران باید هزینه این طرح را از طریق معادل یک بیلیون دلار نفت صادراتی به اسرائیل می‌پرداخت. همچنین ایران موظف بود یک فرودگاه ویژه، یک کارخانه مونتاژ، و سایتی برای آزمایش‌های گسترده‌تر فراهم می‌ساخت. این پروژه با سقوط شاه به پایان رسید و جزئیات آن زمانی آشکار شد که جمهوری اسلامی ایران، اسناد مربوط به سفارت اسرائیل را چاپ کرد. این اسناد همچنین آشکار کردند که اسرائیل قصد داشته نظر ایران را برای پروژه «لاوی» جلب نماید که طرحی بلند پروازانه برای تولید جت‌های جنگنده مدرن با جدیدترین تکنولوژی تا دهه ۱۹۹۰ بود.

The Israeli Connection: Whom Israel Arms and Why?. Beit-Hallahmi, Benjamin. London: I.B.TAURIS & Co Ltd, ۱۹۸۸. P.۱۱-۱۲.

۲. م: این نیز یکی دیگر از اظهارات غیرواقعی یعقوب نیمرودی است. این کار توسط خود دانشجویان و به صورت داوطلبانه انجام گرفت.

۳. م: ارتشبد فریدون جم همسر اول شمس پهلوی(از خواهران شاه) و رئیس‌ستاد ارتش رژیم شاه در فاصله سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰.

۴. م: حماسه قیام خونین مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ به وقوع پیوست.اما مقطع زمانی مورد توصیف نیمرودی به نیمه دوم فروردین ۱۳۵۷ مربوط می‌شود یعنی وقتی که چند روز از برگزاری مراسم چهلم شهدای تبریز در شهرهای مختلف کشور می‌گذشت!

نیازمندی های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز: ۳۳۱۱۹۲۳۶ ۳۳۱۱۳۰۸۵ ۳۳۹۴۲۰۰۰ ۳۳۱۱۲۱۹۳ ۳۳۱۱۰۲۰۲ ۳۳۱۱۸۰۵۲ ۳۳۱۱۲۲۹۱ ۳۳۱۱۳۵۱۹ ۳۳۹۱۱۵۶۸ ۳۳۹۰۲۵۹۹

جنوب: شهرری ۵۵۹۰۰۸۹۷ - ۵۵۹۵۳۶۳۶ | سعدی ۳۳۹۶۲۲۳۳ - ۳۳۹۶۲۲۱۱ | شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ | اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ | چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال: قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵ | شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶ | مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ | شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

شرق — غرب: آزادی ۹-۶۶۰۶۴۶۴۷ - ۶۶۰۰۷۴۷۹ | شهریار ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹ - ۶۵۲۲۲۹۳۳ | کرج ۳۲۲۲۴۴۱۱ - ۳۲۲۲۶۰۱۳-۰۲۶ | تهران نو ۷۷۹۳۶۸۸۸ - ۷۷۹۰۹۹۳۹ | دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

ورامین — جاده چرمشهر
کویر آباد
۱۶۰ هزار متر زمین دیوارکشی شده
کوره آجرپزی گازی، ۲ باب سوله
۱۰۰۰ متری ۸ هزار متر گلخانه تمام فلزی ایتالیایی هزار متر اداری و انباری
تانکر گازوئیل ۳۰۰ هزار لیتری موتور آب ۱۲ لیتر در ثانیه موتور برق ۴۰۰ آمپر
۶۰ هزار متر کاربری صنعتی با ساختمان کارگری
برق ۳ فاز ۴۰۰ آمپر- فوری فروشی
۰۹۱۲۵۸۶۴۳۵۲

آگهی مزایده
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان اسلامشهر در نظر دارد تعدادی از اماکن خود را به استناد مواد ۱۴ و ۴۳ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت به صورت اجاره برای مدت یک سال به واجدین شرایط از طریق مزایده عمومی واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده از تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۸ لغایت ۱۳۹۹/۱۲/۲۸ به مدیریت آموزش و پرورش شهرستان اسلامشهر واقع در اسلامشهر، خ امام حسن مجتبی(ع)، مراجعه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۵۶۳۶۶۵۳۸ تماس حاصل نمایید./
حسینعلی بنار
مدیر آموزش و پرورش شهرستان اسلامشهر

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه
شرکت سرمایه‌گذاری و خدمات مدیریت تدبیر
(سهامی خاص – شماره ثبت ۸۷۹۰۶)
شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۲۳۱۴۸ مورخ ۱۴۰۰/۱/۳۱
بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام حقیقی و نمایندگان سهام حقوقی دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت سرمایه‌گذاری و خدمات مدیریت تدبیر (سهامی خاص – شماره ثبت ۸۷۹۰۶) که در ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه ۱۴۰۰/۱/۳۱ در آدرس تهران – خیابان ولیعصر – خیابان شهید عباسپور (توانیر سابق) – کوچه شاهین – شماره ۵ تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
۱– بررسی و تصویب ترازنامه و صورتحساب سود و زیان عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۹/۳۰.
۲– انتخاب بازرسان قانونی اصلی و علی‌البدل برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۰/۹/۳۰.
۳– انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی و اطلاعیه‌های شرکت.
۴– سایر مواردی که در حدود اختیارات مجمع عمومی عادی سالیانه است.
هیئت مدیره شرکت سرمایه‌گذاری و خدمات مدیریت تدبیر (سهامی خاص – شماره ثبت ۸۷۹۰۶)

بنایی و خدمات ساختمانی
خریدار جک و قالب‌های ساختمانی و لوله داربست
۰۹۱۲۵۹۰۱۲۳۹

در و پنجره حفاظ
نرده، بازسازی، تعمیرات خرده‌کاری
۰۹۳۸۶۶۶۶۰۰۱

خرید و فروش انواع خودرو

آسانسور بالابر بام
فروش– نصب– بازسازی
تعمیر انواع آسانسور
۷۷۲۹۹۲۶۶–۰۹۱۲۳۰۰۵۶۶۹

« خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها
حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۶۶۸۰۰۷۸۹ و ۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲

نگهداری از سالمند و کودک
امداد گستر آپادانا
نگهداری از سالمند، بیمار، کودک و کلیه امور نگهداری و فیزیوتراپ در منزل و همراه در بیمارستان با تخفیف ویژه جهت فرهنگیان، جانبازان و بازنشستگان
۲۲۳۱۵۱۳۱_۲۲۵۰۴۲۳۸

متفرقه
* صنایع برودتی انجماد*
ساخت سردخانه‌های ثابت و متحرک و یخچالهای صنعتی و روباز
۳۳۶۸۴۸۳۷ - ۰۹۱۲۵۳۸۷۰۴۴

پخش انواع کولر گازی (اسپیلت)
لباسشویی، ظرفشویی با گارانتی
به قیمت بانه ۵۵۳۲۳۵۲۹
احمدی ۰۹۱۲۷۶۴۶۹۸۰

کمشده پیدا شده

آگهی حصر وراثت
خانم بهنوش حسین شکرابی به شماره شناسنامه ۱ مطابق دادخواست تقدیمی به کلاسه پرونده ۵۹۲/۱/۹۹ از این شعبه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان سید میرباباحسین شکرابی به شماره شناسنامه ۵ در تاریخ ۹۹/۱۰/۹ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱– بهنوش حسین شکرابی شماره شناسنامه ۱ تاریخ تولد ۱۳۴۵/۱/۱۰ صادره از شمیران دختر متوفی.
۲– سیده فاطمه حسینی شکرابی شماره شناسنامه ۴ تاریخ تولد ۱۳۳۵/۱/۱ صادره از شمیران دختر متوفی.
۳– سید نوراله حسینی شکرابی شماره شناسنامه۱۹ تاریخ تولد ۱۳۳۱/۶/۶ صادره از شمیرانات پسر متوفی.
و مرحوم ورثه دیگری ندارد اینک با انجام تشریفات مقدماتی، درخواست مزبور را باستناد ماده ۳۶۱ قانون امور حسبی در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه‌ای از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یکماه به این شعبه تقدیم دارد و الا گواهی مربوط صادر خواهد شد.
شورای حل اختلاف یک فشم

آگهی دعوت
شرکت تعاونی توسعه روستایی حطر نور به شماره ثبت ۸۹۰ و با شناسه ملی ۱۰۷۶۰۱۳۷۶۹۶ (نوبت دوم)
مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی در ساعت ۱۴ روز جمعه مورخه ۱۴۰۰/۰۱/۲۰ در محل تهرانپارس خیابان ۱۹۸ شرقی(شهید توکل) نبش سجده‌ایی حسینیه آقا نور برگزار می‌گردد بدینوسیله از کلیه اعضاء دعوت می‌شود ضمن به همراه داشتن کارت شناسایی در تاریخ مقرر در محل تعیین شده حضور بهم رسانند. در صورت عدم حضور می‌توان نسبت به معرفی نماینده تام‌الاختیار اقدام نمود. تعداد وکالت به هر عضو سه وکالت و به هر غیرعضو تنها یک وکالت می‌باشد.
کاندیداهای بازرسی ظرف مدت یک هفته پس از انتشار آگهی دعوت مهلت دارند نسبت به تکمیل و ارائه فرم ثبت‌نام به این شرکت اقدام نمایند.جهت تائید وکالتنامه، وکالت‌دهنده و وکالت‌گیرنده حداکثر تا قبل از روز برگزاری مجمع عمومی به این شرکت مراجعه و یا نسبت به ارائه وکالت‌نامه رسمی که در دفترخانه تنظیم گردیده است اقدام نمایند. تعداد آرای وکالتی هر عضو حداکثر ۳ رای و هر شخص غیر عضو تنها یک رای خواهد بود.
دستور جلسه:
۱– ارائه گزارش هیات مدیره در خصوص عملکرد سال ۹۷ لغایت ۹۹
۲– ارائه گزارش بازرس تعاونی در خصوص عملکرد سال ۹۷ لغایت ۹۹
۳– طرح و تصویب صورت‌های مالی منتهی به سال ۹۸
۴– طرح و تصویب پیش‌بینی بودجه سال ۹۹
۵– انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل برای مدت یکسال مالی
۶– انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
رئیس هیئت‌مدیره

جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت مجتمع فرش فیروزه‌ای میبد شماره ثبت ۱۸۸ شناسه ملی ۱۰۸۴۰۰۲۰۰۴۹
جلسه مجمع در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۶ تشکیل می‌گردد.
هیئت رئیسه مجمع
۱– سیدرضا افضلی‌پور رئیس جلسه ۲– ناصر شاهان ناظر ۳– نادعلی نامجوفر ناظر ۴– غلامحسین آیت منشی دستور جلسه انتخاب مدیران:
۱– رئیس هیئت مدیره سیدرضا افضلی‌پور ۲– مدیرعامل علی‌محمد گل‌محمدی ۳– نایب رئیس غلامحسین آیت
حق امضاء ثابت با مدیرعامل و متغیر یکی از دو نفر رئیس هیئت مدیره یا نایب رئیس می‌باشد و کلیه مکاتبات اداری با امضاء مدیرعامل می‌باشد.

اسامی یک نفر از فرزندان تحت پوشش خیریه الزهرا پدر عباس
نام مستعار کودک: ژیلا
سن: ۳ ساله
تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۷
نام والدین: شعیب
ارجاع دهنده: کلانتری ۱۴

شناسنامه مالکیت(برگ سبز) کارت شناسایی و بیمه‌نامه سواری پراید شماره ۷۴۳ د ۳۸ ایران ۳۱ مدل ۱۳۸۷ شماره موتور ۲۴۶۴۹۱۲ شماره شاسی S۱۴۲۲۲۸۷۰۱۵۸۹۶ بنام فاطمه سیهوند مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو پیکان مدل ۸۳ به شماره انتظامی ۶۶۴ ب ۹۶- ایران ۴۱ به شماره موتور ۱۱۲۸۳۱۲۵۹۶۹ و شماره شاسی ۸۳۵۲۳۷۲۹ مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز پژو ۴۰۵ GLXI مدل ۹۱ نقره‌ای به شماره انتظامی ۶۸۴ و ۵۲ ایران ۶۸ شماره موتور ۱۲۴۹۰۳۰۰۵۰۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه مالکیت(برگ سبز) سواری هاچ‌بک MT کوئیک مدل ۱۳۹۹ به شماره پلاک ۷۵۷ ی ۴۸- ایران ۱۴ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. زرین‌شهر

اینجانب محسن نجفی مالک وانت پیکان ۱۶۰i به شماره انتظامی ۵۵۷ ج ۲۹ ایران ۹۳ موتور ۱۱AP۰۰۲۷۲۶۷ شاسی NAAA۳۶AA۹DG۶۲۷۶۱۹ به علت فقدان سند کمپانی و برگ سبز تقاضای رونوشت المثنی نموده‌ام چنانچه هرکس ادعایی در مورد پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط اقدام خواهد شد. مدت اعتبار این آگهی یکسال است.

اینجانب معصومه همتی‌نژاد مالک سواری ام‌وی‌ام تیپ ۱۱۰ به شماره انتظامی ۴۸۲ و ۲۳ ایران ۷۳ موتور MVM۳۷۲FG۵۸۰۰۰۸ شاسی IRA۷۲۱۱۰۰۰۰۲۱ به علت فقدان سند کمپانی و برگ سبز تقاضای رونوشت المثنی نموده‌ام چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط اقدام خواهد شد. مدت اعتبار این آگهی یکسال است.

آگهی فقدان اسناد فروش
اینجانب جواد داراب‌نیا فرزند علی شماره ملی ۲۱۲۲۴۷۷۹۱۱ صادره از گرگان مالک موتورسیکلت سیستم فلات تیپ تریل CC۲۰۰ مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۵۹۴- ۶۶۳۶۷ و شماره موتور FALAT۱۶۷FMLNBF۰۱۰۲۳۳۸ شماره تنه NBF۰۰۰P۰۰FA۹۰۲۲۹۶ بعلت فقدان اسناد فروش(سند کمپانی) و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) فوق‌الذکر تقاضای رونوشت المثنی نموده‌ام لذا هرکسی ادعایی در مورد موتورسیکلت فوق را دارد ظرف مدت ده(۱۰) روز به شرکت جهان همت سیکلت بناب مراجعه نماید. در غیر صورت پس از مهلت مقرر مطابق مقررات نسبت به آن اقدام خواهد شد.

سند کمپانی موتورسیکلت لیبرتی ۱۵۰ به رنگ نوک مدادی مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ۷۱۹۹۴ ایران ۱۳۹ و به شماره موتور ۵۰۰۷۵۴۴ و به شماره شاسی ۰۰۰۴۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری سایپا SE۱۱۱، رنگ سفید، روغنی مدل ۱۳۹۴ به شماره انتظامی ۱۱۵ ن ۱۶ ایران ۳۸، شماره موتور ۵۳۲۷۰۷۳ و شماره شاسی NAS۴۳۱۱۰۰F۵۸۱۸۸۰۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب الهام معدلی مالک سواری دنا EF۷ به شماره انتظامی ۴۴۴ی۸۳ ایران ۹۳ موتور ۱۴VH۰۵۱۲۷۸۲ شاسی NAAW۰۱HEALE۲۲۵۴۵۸ به علت فقدان سند کمپانی و کارت گارانتی و طلایی تقاضای رونوشت المثنی نموده‌ام چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط اقدام خواهد شد. مدت اعتبار این آگهی یکسال است.

(آگهی مفقودی)
شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری CHERY چری به شماره انتظامی ۸۷ی۴۷۹ ایران ۶۹ و شماره موتور MVME۴T۱۵BADJ۰۰۳۶۴۴ شماره شاسی NATGBACRXJ۱۰۰۲۷۸۵ متعلق به اینجانب ساناز خاکپور کرمانی فرزند سیروس شماره شناسنامه ۲۷